

نگاهی گذرا به تاریخ‌نویسی فارسی محلی راجع به کشمیر

واصف احمد*

از سپیده دم تاریخ بشری روابط فرهنگی و ادبی هند و ایران خیلی قدیم، محکم، استوار و ناگسستنی بوده است. به عبارت دیگر مردم هند و ایران دوست قدیمی و صمیمی هستند و از یک ریشه منشعب گردیده‌اند. می‌توان گفت زبان فارسی که کمابیش همزمان با ورود محمود غزنوی به شبه قاره هند پا به عرصه گذاشت، با مرور زمان پله به پله و مرحله به مرحله به سوی راه ترقی و تکامل گامزن شد. به الفاظ دیگر شبه قاره هند کمی پس از حملات سلطان محمود غزنوی و خاصه پس از استقرار سلطنت مستقل اسلامی توسط قطب‌الدین ایبک، غلام سلطان شهاب‌الدین غوری، یکی از مراکز ادبیات فارسی به‌شمار می‌رفت. در دوره تیموریان هند این سرزمین پهناور به صورت بزرگترین مرکز و مرجع دانشمندان، سخنوران و نویسندگان فارسی درآمد. مؤسس سلسله تیموریان هند ظهیرالدین محمد بابر (۹۳۷-۹۳۳ هـ/۱۵۳۰-۱۵۲۶ م) و جانشینانش در ترقی و ترویج زبان و ادبیات فارسی نقش مهمی ایفا نمودند. بابر خودش نویسنده بزرگ و شاعر برجسته بود. بدون هیچ‌شک و تردید در تاریخ‌نویسی فارسی مایه‌ناز تخلیق بابر موسوم به «توزک بابری» مقام فوق‌العاده‌ای دارد. او شعر خوب می‌سرود. ابیاتی از یک غزل بابر:

ای ماه شام وصف تو صبح سعادت است روز جدای تو ولی شام محنت است
جانم بکن جراحت و راحت رسان به دل از تو به جان خسته جراحت چو راحت است^۱

* گروه عربی، فارسی اردو و مطالعات اسلامی، ودیا بون، دانشگاه وشنو بارتی، شانتی نکیتن (بنگال غربی).
۱. نگاهی به ادب فارسی در هند، استاد توفیق سبحانی، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران، ایران، ۱۳۷۷ هـ.ش، ص ۲۷۱.

همچنین جانشینانش همایون، اکبر، جهانگیر، شاهجهان و اورنگ‌زیب نیز سنت دیرینه معارف‌پروری و ادب‌دوستی خودشان را دنبال کردند و صدها شاعر و نویسنده را به‌دربار با شکوه و مجلل خود جلب کردند. پس در اثر بذل و بخشش و ترغیب و تشویق گرانمایه شاهان تیموری هند، آثار ذی‌قیمت، غنی پُر بار و ارزشمند بسیاری در عرصه‌های گوناگون در شعر ادب، عرفان، تذکره، لغت، معارف دینی، تفسیر، تجوید، حدیث، فلسفه عملی، ستاره‌شناسی، نامه‌نگاری، پزشکی، فرهنگ‌نامه، داستان، جغرافیا، تاریخ و دانشهای بیشتری به‌منصه ظهور رسیده است. ایشان به‌ضبط وقایع و حوادث عهد سلطنت و مفاخر و مآثر خود توجه خاصی داشتند. بنابراین در زمین تاریخ و تاریخ‌نویسی فارسی محلی آثار گرانبها و پُرازش متعدد به‌وجود آمدند. بدون هیچ‌شک و تردید در تاریخ طولانی تاریخ‌نویسی فارسی شبه‌قاره که هم‌زمان با تأسیس سلطنت مستقل اسلامی در هند با تألیف تاج‌المآثر شروع می‌شود، بهترین و غنی‌ترین دوره تاریخ‌نویسی فارسی تیموریان بزرگ است.

در این دوره درخشان تاریخ به‌ویژه تاریخ‌نویسی فارسی محلی رواج فوق‌العاده‌ای یافت و از لحاظ کمیت و کیفیت شاهکارهای بزرگ تاریخی با برنامه، همایون‌نامه، گلبدن بیگم، اکبرنامه، جهانگیرنامه، شاهجهان‌نامه، مرآت اسکندری، تاریخ بنگاله، تاریخ دکن، تاریخ بیجاپور، تاریخ کشمیر، نامه شاهان کشمیر، انتخاب کشمیر، تاریخ کشمیر، حسن بن علی کشمیری، تاریخ کشمیر حیدر ملک و ده‌ها اثر دیگر به‌ظهور رسیدند. پیشرفتی که به‌وسیله تاریخ‌نویسان تاریخ محلی به‌وقوع پیوسته است، متأسفانه تاکنون چنانکه باید و شاید، به‌جهان فارسی‌شناسانده نشده است. اساسی‌ترین انگیزه این حقیر در انتخاب موضوع مقاله حاضر همین بوده است. تواریخ محلی در باب احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محل مخصوص اطلاع بسیار سودمند فراهم می‌کنند و در تحقیق آن منطقه مرجع مهم و مؤفق به‌شمار می‌روند.

حالا روشن است که در میان مؤرخان، تاریخ‌نویسی فارسی محلی از دیرباز رایج بوده ولی تاریخ‌نویسی فارسی محلی راجع به کشمیر به‌عهد سیاستمدار بزرگ زین‌العابدین و به‌بعد رواج خاصی پیدا کرد. مؤرخان محلی چون شاه محمد شاه‌آبادی، نراین کول عاجز، حسن بن علی کشمیری، حیدر ملک کشمیری، سید علی، ملّا توفیق کشمیری،

دیوان کَریارام و امثال آنها شاهکارهای بزرگ تاریخی محلی راجع به کشمیر مانند تاریخ کشمیر، نامه شاهان کشمیر یا بهارستان شاهی، انتخاب تاریخ کشمیر، تاریخ

کشمیر، حسن بن علی کشمیری، تاریخ کشمیر، حیدر ملک، تاریخ کشمیر، سید علی، تاریخ کشمیر، مجهول‌الاسم، احوال کشمیر، ملّا توفیق کشمیری، گلزار کشمیر و ده‌ها اثر دیگر به وجود آوردند. حالا به ذکر مفصل آنها می‌پردازم.

اقدام قدردانی و تشویق جهانگیر به‌نویسندگان و تاریخ‌نویسان مهم‌ترین انگیزه‌ای بود که بازار شعر و ادب گرم شد و تاریخ‌نویسی فارسی به‌طور اعم و تاریخ محلی به‌طور اخص رونق فوق‌العاده و رنگ تازه‌ای به‌خود گرفت.

وضع تاریخ‌نویسی فارسی در دوره اکبر

شاه اکبر اسم با مسمایی است. او یکی از بزرگترین پادشاهان عالم بود. او شعر می‌سرود. چنانچه از گفته ابوالفضل برمی‌آید.

”... و طبع الهام‌پذیر آن حضرت به‌گفتن نظم هندی و فارسی به‌غایت موافق افتاده در دقایق تخیلات شعری نکته‌سنجی و موشگافی می‌فرمایند“^۱.

چون ذکرش رفت بذر فرهنگ و زبان و ادب فارسی در هند همزمان با ورود محمود غزنوی پراکنده شد و در عهد تیموریان هند به‌اوج کمال رسید. عهد اکبر بزرگ دوره طلوع آفتاب فنون لطیفه، هنر نقاشی، فن معماری فرهنگ و تمدن و علوم و ادبیات فارسی به‌شمار می‌رود. با وجود اینکه اکبر نسبت به‌نیاکان خود کم سواد بود باز هم در تشویق، راهنمایی و قدردانی اهل علم و دانش از همه آنان سبقت برد. بنابراین علماء، فضلاء، دانشمندان، شاعران، نویسندگان و تاریخ‌نویسان از نقاط مختلف هند و ایران، افغانستان و آسیای مرکزی به‌دربارش جمع شدند. نتیجتاً بازار فرهنگ و ادب گرم شد و رونق بی‌سابقه یافت. فرزندش جهانگیر چنین تأیید می‌کند:

۱. توزک جهانگیری، چاپ سید احمد خان، ص ۱۵، نقل از تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، آفتاب اصغر، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور (پاکستان)، ۱۳۶۴ ه.ش، ص ۱۱۷.

“... و به‌دقایق نظم و نثر چنان می‌رسیدند که فوقی بر آن متصور نبود”^۱.

اکبر معتقد بود که برای ایجاد تفاهم متقابل بین مسلمانان و هندوان ترجمه آثار سانسکریت به فارسی خیلی مفید و مؤثر خواهد شد. او فعلاً نه کوشید و عده زیادی از مؤرخان را به تألیف تاریخ و ترجمه نمودن شاهکارهای تاریخی زبانهای دیگر سانسکریت، عربی و ترکی مأمور کرد. از این رو در آن عهد آثار مهم به فارسی برگردانده شد از آنجمله می‌توان برای مثال از تراجم زیر نام برد:

مهابهارت، راماین، سنگهاسن بتیسی، پنجاتانترا، نل دمیتی، کنهاسرت ساگر و راج‌ترنگنی.

گرچه اغلب شاهان امپراطوری تیموری به تاریخ و تاریخ‌نویسی فارسی متمایل به نظر می‌رسند، ولی از میان آنها اکبر بیش از همه به تاریخ علاقه‌مند بود و آثار تاریخی بسیار به وجود آورد. چنانکه از قول زیر فرشته پیداست:

“اگرچه سواد کامل نداشت، اما گاهی شعر می‌گفت و در علم تاریخ وقوفی تمام داشت و قصص هند نیکو می‌دانست”^۲.

کشمیر - تصرف کشمیر

عموی همایون، میرزا حیدر، به‌دستور همایون کشمیر را تسخیر کرد، خطبه به نامش خواند و سکه رایج کرد. سپس اکبر آن را ضمیمه متصرفات خود قرار داد.

سلطان زین‌العابدین

سلطان زین‌العابدین (شاهی خان) پس از مرگ برادرش علی شاه به سال ۱۴۲۷ م زمام حکومت کشمیر را به دست خود گرفت و رسماً جانشینش شد. در عهد سلطان زین‌العابدین که یکی از ممتازترین شاهان کشمیر به‌شمار می‌رود، زبان فارسی، به جای زبان سانسکریت به حیث زبان درباری و رسمی شناخته شد. علم‌دوست ادب‌پرور،

۱. توزک جهانگیری، چاپ سید احمد خان، ص ۱۵، نقل از تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، آفتاب اصغر، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور (پاکستان)، ۱۳۶۴ ه.ش، ص ۱۱۷.
 ۲. بزم تیموریه، جلد اول، سید صباح‌الدین عبدالرحمن، دارالمصنفین، شبلی اکادمی، اعظم‌گره، هند، ۱۹۹۵ م، ص ۱۱۷.

موسیقی دان، مصلح قوم و حامی زبان و ادبیات فارسی سلطان زین العابدین در اصلاح معاشرہ، ترقی و ترویج فنون لطیفہ زبان و ادب و بہ ویژه تاریخ نویسی فارسی محلی

{
 یا \dot{a} \ddot{U} $F\ddot{U}$
 نخستین \ddot{U} \ddot{U}
 تاریخ مستقل محلی کشمیر
 است کہ مستقیماً بہ زبان
 فارسی بہرشتہ تحریر
 در آورده شدہ است۔
 }

راجع بہ کشمیر نقش مهمی ایفا نمود۔ او بہ سال ۱۴۷۲ م درگذشت۔ علما، فضلا، ادبا، شعرا و بہ خصوص تاریخ نویسان مورد تقدیر و تشویق او قرار گرفتند۔ سید محمد فقیہ، میر سید علی ہمدانی، ملا محمد شاعر و ملا جمیل از علماء و رجال بزرگ ہمین عہد هستند۔ این نکتہ باید متذکر شد در کشمیر در این عہد زبان فارسی و تاریخ نویسی بہ بام عروج رسید۔ خلیق انجم ہم مؤید ہمین عقیدہ بہ نظر می رسد:

”کہتے ہیں کشمیر میں سلطان زین العابدین (۸۷۸-۸۷۷ھ/۱۴۷۳-۱۴۷۲ م) کے زمانے میں فارسی زبان کو عروج حاصل ہوا۔ سلطان نے فارسی کو ہندوؤں اور مسلمانوں کے درمیان تعلقات مستحکم کرنے کا ذریعہ بنایا۔“

چون در بالا گذشت، بہ دستور سلطان زین العابدین کتابهای تاریخی و نیم تاریخی متعدّد زبانهای دیگر بہ فارسی سرہ برگردانده شد۔ کتاب معروف تاریخ کشمیر، ترجمہ راج ترنگنی، از یادگار ہمین عہد است۔

راج ترنگنی

پندت کلہن تاریخ چہار ہزار سال کشمیر را بہ زبان سانسکریت بہ عنوان «راج ترنگنی» تألیف کرد۔ شری ور شاگرد جونا راج بہ تاریخ نویسی کشمیر پرداخت۔ راجیہ و پستک، تألیف راجہ بت، آخرین روزنامچہ ای راجع بہ کشمیر بہ زبان سانسکریت بود^۱۔ پس روشن شد در کشمیر تاریخ نویسی بہ شکل های مختلف شامل روزنامچہ از ابتدا رایج بود۔ ذکر این نکتہ لازم است بیشتر این روزنامچہ ها تلف

۱. ادبیات فارسی میں ہندوؤں کا حصہ، سید عبداللہ، انجمن ترقی اردو، دہلی نو، ہند، ۱۹۹۱ م، ص ۲۲۔

۲. ہندوستانی دور وسطی کے مؤرخین، محب الحسن ارومیلا تھاپر، قومی کونسل برای فروغ اردو زبان، دہلی نو، ۱۹۸۵ م، ص ۲۸۔

شده‌اند. خوشبختانه راج‌ترنگنی که به سال ۹-۱۱۴۸ م به تکمیل رسید، محفوظ ماند و به دست ما رسید.

تاریخ کشمیر تألیف مولانا شاه محمد شاه آبادی

مولانا شاه محمد شاه آبادی به حکم اکبر راج‌ترنگنی مذکور را تحت عنوان «تاریخ کشمیر» به زبان فارسی ترجمه کرد. بعداً مؤرخ مشهور و خالق منتخب‌التواریخ ملا عبدالقادر بدایونی، پس از نظر ثانی آن را تلخیص کرد. این منبع تاریخ دست اول که مبنی بر روایات، قصص، کتیبه‌ها، دستاویزات تحریری و نیل ماتا پران است، حاوی تاریخ کشمیر از ابتدا تا قرن دوازدهم می‌باشد.^۱ کتیبه‌های معبدها و ساختمان‌های دیگر مختلف که دارای اطلاعات مهم کشوری عهد مخصوص می‌باشد، مصادر و منابع مستند و معتبر تاریخی قرار گرفته است. در این اثر جنبه‌ها و گوشه‌های مختلف زندگانی انسانی کشمیر به نحو احسن منور گردیده است. اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی و دینی مورد بحث قرار گرفته است. فعالیت‌های راجه‌ها، سیاستمداران و زمامداران وقت به وضوح روشن شده است. همین‌طور علل عروج و زوال شاهان مطرح گردیده است. مؤلف به جزئیات نگاری پرداخته، علت ضعف راجه کشمیر هرش را به تفصیل مورد بحث قرار داده است و بدون هیچ تأمل از واقعات ماضی تاریخی درس اخلاق و سیاست اخذ می‌کند. وقت تولد راجه هرش تقدیرش خوب نبود به همین علت حکومتش به این زودی رو به زوال شد. در عین حال او می‌افزاید که علاوه بر تقدیر علت زوالش این بود که او قوه ارادی محکم و قوی نداشت، یقین محکم و عمل پی هم نداشت، قوه فیصله خیلی کم داشت و مشیر خوب هم نداشت. هوس‌پرستی و زن‌پرستی سبب زوال حکومت می‌شود. او معتقد است عمل گرفتار شدن شاهان در دام زنان چالباز، مکار، چالاک و عیار نیز بدترین کمزوری شاهان است.

«کسی بھی راجہ کی کمزوری کی ایک قابل مذمت وجہ یہ ہوتی ہے کہ وہ چالباز عورتوں کی اثر میں آجاتا ہے»^۲.

۱. ہندوستانی دور وسطی کے مؤرخین، محب‌الحسن ارومیلا تھاپر، ص ۱۰۷.

۲. همان، ص ۳۴.

گروہی از مردم اعتقاد داشتند قحط غلہ بہ علت ناخوشی معبود ہندوان رخ می دہد۔ وقتی کہ زنان راجہ ہا بہ پرستش معبود خود می پردازند و او را خوشحال می کنند، قحط یواش یواش رفع شدہ مسئلہ ای راجع بہ کمبود غذا حلّ می شود۔ ذکر بہ عناصر مافوق الفطرت و تقدیر و تدبیر رفتہ است۔ جنبہ ہای گوناگون واقعات تاریخی از دیدگاہ مختلف مطرح گردیدہ است۔ کردارہای واقعات، توانایی و کمزوری آنها، ظہور نظام جاگیرداری، روابط بین جاگیردار و شاہان، شرکت برہمنان در سیاست کشمیر و غیرہ دقیقاً مورد بررسی قرار گرفتہ است۔ در قرون وسطی در صحنہ سیاست کشمیر فرقہ ہای مختلف حاوی بودند۔ بہ عہدہ منشی گیری کایستہا بہ تعداد زیاد مأمور بودند۔ مؤلف ظلم تشدد عمل مندر شکنی را شدیداً مورد انتقاد قرار دادہ است۔ در تاریخ کشمیر مذکور است کہ یکی از علل زوال راجہ ہرش اقدام مندر شکنی و مجسمہ شکنی بہ وسیلہ خود راجہ و کارمندان و مأموران دربارش بود۔ استاد رومیلا تھاپر چنین می گوید:

”ہرش کے زوال کے اسباب میں ایک سبب یہ دیا گیا ہے کہ اس نے نہ صرف مندروں کو لوٹا بلکہ ایسے افروں کا تقریباً جن کا کام مقدس مورتیوں کی تیج کرنی کرنا تھا“!

طبق شاسترہا نگہداشت و فلاح و بہبودی عوام الناس اولین وظیفہ شاہان و حکمرانان وقت می باشد۔

نورالدین محمد جہانگیر ہم بہ پیروی آبا و اجداد و نیاکانش بہ تشویق شاعران، نویسندگان و تاریخ نویسان پرداخت۔ او خود مؤرخ بود۔ شاہکار جاوید تاریخی موسوم بہ جہانگیرنامہ وی خودش شاہد و گواہ این حقیقت است کہ او چہ قدر بہ تاریخ نویسی علاقہ مند بود۔ اقدام قدردانی و تشویق جہانگیر بہ نویسندگان و تاریخ نویسان مهم ترین انگیزہ ای بود کہ بازار شعر و ادب گرم شد و تاریخ نویسی فارسی بہ طور اعم و تاریخ محلی بہ طور اخص رونق فوق العادہ و رنگ تازہ ای بہ خود گرفت و در ادوار بعدی متدرجاً بہ نضج و کمال رسید۔ اینجا بہ طور مثال می توان بعضی از تواریخ محلی کہ در این عہد نوشتہ شدند، نام برد: نامہ شاہان کشمیر یا بہارستان شاہی (تاریخ کشمیر)،

۱. ہندوستانی دور وسطی کے مؤرخین، محب الحسن / رومیلا تھاپر، ص ۳۷۔

تاریخ حیدر ملک (تاریخ کشمیر)، بهارستان غیبی (تاریخ بنگال)، مرآت سکندری (تاریخ گجرات)، بیگلرنامه (تاریخ سند)، و تاریخ طاهری (تاریخ سند).

تاریخ کشمیر حیدر ملک یکی از معتبرترین تواریخ کشمیر است چون مؤلف خودش در اغلب واقعات و حوادث شرکت داشت و ناظر و شاهد دقیق بعضی از وقایع تاریخی شامل واقعه انقراض سلطنت کشمیر و الحاقش به سلطنت اکبر شاه بود.

نامه شاهان کشمیر یا بهارستان شاهی (ناشناس) این نکته باید یادآور شود که برای اولین بار به عهد اکبر شاه تاریخ کشمیر موسوم به راج‌ترنگنی به فارسی برگردانده شده بود. کتاب مورد بحث نامه شاهان کشمیر یا بهارستان شاهی نخستین تاریخ مستقل محلی کشمیر است که مستقیماً به زبان فارسی به رشته تحریر درآورده شده است. این کتاب بهارستان شاهی هم خوانده شده است. درباره مؤلف

هیچ اطلاعاتی در دست نیست، حتی اسمش نیز معلوم نیست. این تألیف مستند محتوی است بر تاریخ کشمیر از آغاز تا عهد جهانگیر. برای کسب اطلاع از جریانات و تحولات سیاسی کشمیر، حمله و تسخیر کشمیر و روابط دولت تیموری با کشمیر و غیره کتابی با اهمیت است. میرزا حیدر دوغلت با صوفیان خوب رفتار نمی‌کرد. مؤلف فعالیت‌های سید علی همدانی و پسرش محمد همدانی راجع به اشاعت اسلام در کشمیر را شدیداً مورد توصیف و توقیر قرار می‌دهد. می‌توان حدس زد شاید بیشتر مطالب از تاریخ کشمیر، ترجمه فارسی راج‌ترنگنی، و روزنامه‌ها مأخوذ شده باشد چون قبل از این تألیف جز منابع مذکور نمونه‌ای پیش مؤلف نبود. تا زمان تحریر به‌علت بودن نخستین و کاملترین تاریخ از ارزش اهمیت زیاد برخوردار است و حیثیت منبع و مأخذ مستند دست اول را نیز دارا است انداز بیان پُر تصنع است.

تاریخ کشمیر تألیف حسن بن علی کشمیری

حسن بن علی کشمیری به دستور پدر بزرگ حیدر ملک، جمال (کمال‌الدین ملک، در عهد جهانگیر تاریخ کشمیر را به رشته تحریر کشیده است. حیدر ملک که ذکرش در صفحات بالا گذشته است، نیز مؤلف و مؤرخ بزرگ بود. تألیف حاضر تاریخ مختصر

کشمیر از آغاز تا سال تألیف است. برای کسب اطلاعات دربارهٔ جریانات و تحولات سیاسی و فعالیت‌های شخصی و دولتی حکمرانان کشمیر منبع مستند و معتبر به‌شمار می‌رود.

تاریخ کشمیر حیدر ملک تألیف حیدر ملک کشمیری

رئیس‌الملک حیدر ملک کشمیری یکی از بزرگترین تاریخ‌نویسان عهد جهانگیر به‌شمار می‌رود. او تاریخ کشمیر را در سال ۲۱-۱۶۲۰ م به‌رشتهٔ تحریر درآورده است. او در دربار شاهی به‌دیدهٔ احترام و توقیر خاص نگریسته می‌شد و با خطاب رئیس‌الملک مخاطب گردید و به‌عهدهٔ استاندار کشمیر منصوب گشت. این تألیف محتوی است بر تاریخ کشمیر از ازمینهٔ قدیم تا شانزدهمین سال جلوس شاه جهانگیر. اطلاعات دربارهٔ تاریخ عمومی کشورهای همجوار نیز شامل است. حیدر ملک یک جزء تألیف را به‌ذکر واقعات مافوق‌الفطرت اختصاص داده است جغرافیای کشمیر نیز مطرح گردیده است. تاریخ کشمیر حیدر ملک یکی از معتبرترین تواریخ کشمیر است چون مؤلف خودش در اغلب واقعات و حوادث شرکت داشت و ناظر و مشاهد دقیق بعضی از وقایع تاریخی شامل واقعهٔ انقراض سلطنت کشمیر و الحاقش به‌سلطنت اکبر شاه بود. از این جهت این تألیف از حیثیت منبع و مأخذ تاریخی مستند، مهم، ارزشمند و فوق‌العاده است. منابع و ماخذهایی چون ترجمهٔ راج‌ترنگنی، روزنامه‌های جونا راج و شری‌ور و تواریخ دیگر مورد استفاده قرار گرفته است. واقعات تاریخی و اجتماعی فعالیت‌های متفرق شاهان و کارنامه‌های عظیم آباء و اجدادش به‌سلک تحریر کشیده است. چون در فوق مذکور است مؤلف خودش شاهد بعضی از واقعات بود و بعضی اطلاعات از پدر و پدر بزرگ خود که به‌عهده‌ها و سمت‌های عالی شاهی مأمور بودند و ناظر و چشم‌دید گواه وقایع بودند، اخذ کرده است. در ذکر محتویات چون ادوار بادشاهی، بغاوت و شورشها، جنگ‌ها، فتوحات و عروج و زوال سلسله‌های شاهی تسلسل و ترتیب تاریخی دقیقاً رعایت شده است. در میان واقعات اشعار سبق‌آموز و قصص و حکایت متصوفانه جابه‌جا به‌چشم می‌خورند. از واقعهٔ اشاعت اسلام به‌تفصیل سخن رانده است. از فعالیت‌ها و احوال مردم عامهٔ صرف نظر کرده بیشتر به‌ذکر فعالیت‌های

درباری شاهی اشاره کرده است. اقدامات ظالمانه و سفاکانه علیه مردم عامه علت عمده زوال میرزا دوغلت حیدر ملک بود. مردم عامه از ظلم و ستم و تشدد به‌تنگ آمده علیه حکمران وقت میرزا دوغلت حیدر ملک علم بغاوت بلند کردند و مخافت شدیدی ابراز نمودند. یوسف شاه در طرب و عیش کوشی غرق بود و به‌فعالیت‌های سیاسی و فلاح و بهبودی مردم عامه بی‌اعتنایی می‌کرد. همین‌طور یعقوب شاه نتوانست به‌دفاع کشمیر قابلیت و اهلیت سیاسی و کشورداری را نشان داده علیه حمله‌آوران ایستادگی بکند. او متعصب بود و با مرد فرقه سنی حسن سلوک نمی‌کرد. در این تاریخ جذبۀ حب‌الوطنی و وطن‌دوستی به‌درجه اتم موجود است. مؤرخ بر فتوحات سلطان شهاب‌الدین و بر عظمت و بزرگی فرهنگ سلطان زین‌العابدین فخر می‌کند. همین‌طور جذبۀ وطن‌دوستی ابراز نموده به‌علاقه‌مندی توصیف کوه‌های بلند، آب زلال، چشمه‌های زیبا، رودهای شفاف و باغات سرسبز و شاداب کشمیر با جوش و جنب زیاد می‌پردازد. مؤلف یوسف شاه را مورد انتقاد قرار می‌دهد، چون وی نتوانست علیه غاصبان ایستادگی بکند و برعکس آن پیش آنها سر تسلیم خم کرده بود. انداز بیان بهارستان شاهی پُرتکلف و پُرتصنع است، درحالی‌که زبان تاریخ حیدر ملک صاف و شسته است. مؤلف فعالیت‌های سید علی همدانی و پسرش محمد همدانی راجع به‌اشاعت اسلام در کشمیر را مورد توقیر و توصیف قرار داده به‌تفصیل به‌ذکرش می‌پردازد. ضمناً باید ذکر شود که در بیان فعالیت‌های سیاسی و کارنامه‌های سلاطین کشمیر خیلی مبالغه‌آرایی شده است.

تاریخ کشمیر تألیف سید علی

سید علی جریانات سیاسی کشمیر عهد میرزا حیدر دوغلت را به‌عهد یوسف شاه تألیف نمود. ضمناً ذکری از تاریخ مذهبی دوره سلطنت نیز به‌میان آمده است.

تاریخ کشمیر تألیف مجهول‌الاسم

اسم مؤلف ناشناس مانده است. این کتاب به‌سال ۱۵۹۰ م نوشته شده است و دارای اطلاعات تاریخی کشمیر دوره شمس‌الدین می‌باشد.

تاریخ کشمیر تألیف نراین کول عاجز

نراین کول عاجز به دستور صوبه‌دار کشمیر، عارف خان، تاریخ کشمیر را تألیف نمود. وقایع کشمیر را پوشاک قصه تاریخی مسلسل پوشانده است. مؤلف در دیباچه می‌نویسد:

”وقایع را به فارسی لچ‌خالی از تکلفات مترسلانه و رعایت اختصار و ایجاز به قلم عجز رقم آورده...“^۱.

ضمناً باید عرض شود شاهجهان به تشویق کلّ علوم و فنون عصر خود پرداخته. سخنوران، شاعران و تاریخ‌نویسان را مورد لطف و کرم خاص قرار داد. او شعبه مستقل تاریخ‌نویسی استقرار کرد و تاریخ‌نویسان را به نوشتن آثار ارزشمند و ذی‌قیمت مأمور کرد.

احوال کشمیر تألیف ملّا توفیق کشمیری

این تاریخ منظوم است. او به عهد عالمگیر تاریخ کشمیر را به سلک نظم در قالب مثنوی درآورده است. این تاریخ محتوی است بر وقایع مربوط به الحاق کشمیر به دولت تیموری هند در زمان اکبر شاه کبیر و مسافرت‌های امپراطوران تیموری هند اکبر شاه کبیر، جهانگیر، شاهجهان و عالمگیر به کشمیر. از نظر تاریخی این مثنوی زیاد ارزش و اهمیت ندارد چون از محتویات مذکور در تاریخ‌های منثور به تفصیل سخن رانده شده است. همان مشمولات مذکور فقط به سلک نظم کشیده به نظر می‌رسد.

انتخاب کشمیر تألیف ناشناس

اسم مؤلف معلوم نیست. مؤرخ بر بسیاری از مطالب راجع به تسخیر کشمیر تأکید کرده است. این تاریخ از کشمیر باستان آغاز می‌شود و به حوادث مربوط به تسخیر کشمیر به دست اکبر به پایان می‌رسد.

گلزار کشمیر: تاریخ دلپذیر کشمیر تألیف دیوان کرپا رام

دیوان کرپا رام وزیر راجه رنبیر سینگ بود. او در دربار مهاراجه گلاب سینگ در سمت دیوان مأمور بود. تاریخ تولدش معلوم نیست ولی وفاتش به سال ۱۷۷۸ م اتفاق افتاد. او

۱. ادبیات فارسی میں ہندوؤں کا حصہ، سید عبداللہ، انجمن ترقی اردو، دہلی نو، ہند، ۱۹۹۱ م، ص ۹۴.

در زمینه زبان و ادبیات و تاریخ‌نویسی فارسی نقش مهمی ایفا نمود. آثارش مشتمل است بر گلابنامه، رَقعات کَریا رام و گلزار کشمیر. گلابنامه زندگینامه گلاب است. رَقعات کَریا رام مجموعه نامه‌های وی است. گلزار کشمیر تاریخ منطقه کشمیر است و منقسم است به شش گلبن. برای کسب اطلاعات راجع به صوبه‌داران کشمیر کتاب مهمی است. چون از اسم معلوم است منظرنگاری کشمیر به درجه اتم موجود است. این کتاب ذیل آثار مستند تاریخی قرار می‌گیرد. این تألیف را تاریخ دلپذیر کشمیر نیز خوانده‌اند.

کتابنامه

۱. ادبیات فارسی میں ہندوؤں کا حصہ، سید عبداللہ، انجمن ترقی اردو، دہلی، نو، ہند، ۱۹۹۱ م.
۲. اردو انسائیکلوپیدیا، قومی کونسل برای فروغ اردو زبان، دہلی، نو، ۲۰۰۳ م.
۳. بزم تیموریہ، جلد اول، سید صباح الدین عبدالرحمن، دارالمصنّفین، شبلی اکیڈمی، اعظم گرہ، ہند، ۱۹۹۵ م.
۴. تاریخ‌نویسی فارسی در ہند و پاکستان، آفتاب اصغر، خانہ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاہور (پاکستان)، ۱۳۶۴ ه. ش.
۵. فہرست نسخہ‌های خطی فارسی کتابخانہ‌های عمومی و آرشیو پتالہ، پنجاب، مرکز تحقیقات فارسی رازنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دہلی، نو، ۱۹۹۹ م.
۶. فہرست نسخہ‌های خطی فارسی کتابخانہ انجمن ترقی اردو، دہلی، نو، مرکز تحقیقات فارسی، رازنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دہلی، نو، ۱۹۹۹ م.
۷. فہرست نسخہ‌های خطی فارسی کتابخانہ جامعہ ملیہ اسلامیہ، دہلی، نو، مرکز تحقیقات فارسی، رازنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دہلی، نو، ۱۹۹۹ م.
۸. متون تاریخ در فارسی، دکتر واصف احمد، نائس بکس، دہلی، ۲۰۰۸ م.
۹. مختصر تاریخ ہند، سید ابوظفر ندوی، دارالمصنّفین، شبلی اکادمی، اعظم گرہ، ہند، ۲۰۰۹ م.
۱۰. مغلیہ سلطنت کا عروج و زوال، آر. پی. تریپانہی / دکتر ریاض احمد خان شیروانی، ترقی اردو بیورو، دہلی، نو، ۱۹۸۹ م.

۱۱. نگاہی بہ ادب فارسی در ہند، استاد توفیق ہ سبحانی، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی تہران، ایران، ۱۳۷۷ ہ ش.
۱۲. ہندوستانی دورِ وسطیٰ کے مؤرخین، محب الحسن، قومی کونسل برای فروغ اردو، دہلی نو.
13. *Dictionary of Indo-Persian Literature*, Nabi Hadi, Indira Gandhi National Centre for the Arts, Abhinav Publications, 1995.
14. *Dreams Forgotten*, Waris Kirmani, Academic Books, Diggi Road, Aligarh, 1986.
15. *Development of Persian Historiography in India*, Prof. S.M. Waseem, Iran Culture House, New Delhi, 2003.
16. *History of Iranian Literature*, Jan Rypka, D. Reidel Publishing Company, Dordrecht, Holland.
17. *Pre-Mughal Persian in Hindustan*, Mohammad Abdul Ghani, The Allahabad Law Journal Press, Allahabad, 1941 A.D.
18. *The Wonder that was India*, A.L. Basham, Picador An Imprint of Pan Macmillan Ltd., Pan Macmillan, 20, New Wharf Road, London, 1954.